

بسم الله الرحمن الرحيم

درس نامه سطح 2

موضوع: تفاوت نسل ها

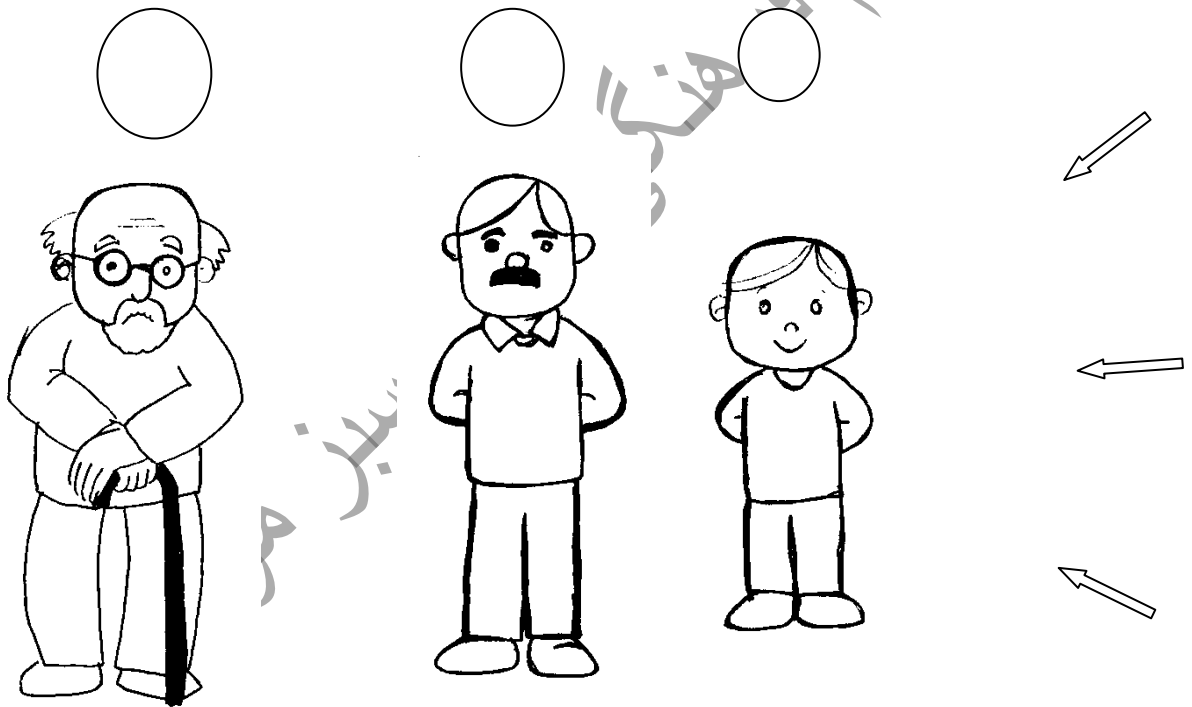
تهیه شده در : موسسه یاران سبز موعود (عج الله تعالی فرجه الشریف)

دوستان عزیز سلام!

امیدوارم که همه شما سالم و شاد و خوشحال باشید و توانسته باشید فرزندان خوبی برای پدران و مادران خود باشید.

قبل از اینکه موضوع درس را بگویم، اول به تصاویر روی تابلو دقت کنید و حدس بزنید که چه چیزی است؟

گروه راهنمایی بیشتر:



مربی محترم جدولی می کشد و از دانش آموزان طبق گروه‌های سه نفره دعوت می کند که یک نفر از گروه به نمایندگی مقابل تابلو بایستد.

گروه های توی کلاس با همدیگر مشورت کنید که ببینید این سه عکس چه شباهتها و چه تفاوتهایی با هم دارند؟ ۲ دقیقه فرصت دارید.

گروه	شباهتهای سه عکس	اختلاف های سه عکس
یک	- همه انسانند - هر سه تا مردهستند - همه گرسنه می شوند	- با هم ظاهرشان متفاوت است - با هم اختلاف سن دارند - ولی شاید غذای مورد علاقه هر کدام یکی باشد
دو
سه

خب، وقت تمام شد. گروه شماره یک نماینده شما جدول را تکمیل نماید. سپس گروه شماره 2 و...

حالا اگر قرار باشد این سه نفر در یک خانه زندگی کنند به نظر شما با این همه اختلاف هایی که دارند می توانند؟

یک سؤال دیگر

آیا هر جایی که تفاوت باشد به نظر شما دعوا، ناراحتی، درک نکردن هم باهاش هست؟ اصلاً چه کسی داستان اکرام امام علی (ع) و خانواده اش را یادش هست؟ مگر آنها با هم تفاوت سن نداشتند مگر اونا یکی شان خانم نبود (حضرت زهرا) و سه تای دیگر مرد. (امام علی و حسن و حسین علیهم السلام) پس چرا

اونا با هم دعوا نمی گرفتن، با هم قهر نمی کردند چرا سر همدیگر داد نمی زدند یا حتی چرا داداش حسین، آبجی کوچکتز از خودش زینب را ناراحت نمی کرد؟

اونا نه اینکه با هم اختلاف نداشتند، بلکه خیلی هم با هم رفیق و همراه بودند. اجازه بدید یک سر خیلی کوتاه به خونه اونا بندازیم و یکی از رفتارهای اونها رو بررسی کنیم.

مسابقه امام حسن (ع) و امام حسین (ع)

راستی چه کسی داستان مسابقه امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را می داند؟

یک روزی پیامبر ما حضرت محمد مصطفی (ص) دو تا برادر رو صدا زد و گفت امروز من می خواهم بین شما یک مسابقه اجرا کنم و مادر شما حضرت زهراء داور مسابقه شما باشد هر کسی یک جمله خوش خط تر نوشت اون برنده مسابقه ماست. دو تا برادر شروع کردند به نوشتن هر دو تا بعد از نوشتن خودشان را با سرعت پیش مادر رساندند و به مادر گفتند: مادر شما بگوئید کدام خط زیباتر است.

حضرت زهراء (س) درنگی کرد و با خودش فکر کرد؛ اگر هر کدام را که بگویم زیباتر است شاید دیگری... حضرت زهراء رو به کودکان می فرمایند: من گردن بندم را پاره می کنم و دانه های آن را روی زمین می پاشم. هر کدام از شما دانه های بیشتری جمع کند، خط او بهتر است و او برنده این مسابقه خواهد بود گردن بند را پاره می کند حسن و حسین (ع) شروع به جمع کردن دانه های گردن بند می کنند. وقت تمام شد، دیگر جمع نکنید.

مادر شروع به شمارش دانه های جمع شده گردن بند توسط هر یک از پسرها می کند. جالب اینجاست که هر کدام به مقدار مساوی برداشته اند.¹

نکات:

- این تفاوت های ظاهری باعث نمی شود آدم ها نتوانند باهم در خانه زندگی کنند.
- پیامبر اکرم (ص) با اینکه از نظر سن پیرمرد است، ولی باز هم با امام حسن و امام حسین که کوچک هستند بازی می کند و...

1. اصل داستان: روزی امام حسن و امام حسین علیهما السلام در یک مسابقه خطاطی به رقابت پرداختند. امام حسن (ع) گفت: خط من بهتر است و امام حسین (ع) گفت: آنچه من نوشتم، زیباتر است. سرانجام، هر دو جهت داوری مسابقه، خدمت مادرشان رسیدند. فاطمه زهرا (س) نمی خواست بچه ها آزرده شوند، بدین خاطر فرمود: به پدرتان مراجعه کنید تا قضاوت کند. حضرت علی (ع) نیز آنها را نزد پیامبر فرستاد و داوری بر عهده آن حضرت نهاد. پیامبر نیز داوری را به جبرئیل سپرد. او نیز به اسرافیل حواله داد، تا اینکه اسرافیل از جانب خدا قضاوت در این مورد را به خود فاطمه (س) سپرد. حضرت زهرا (س) عرض کرد: خدایا چگونه میان این دو قضاوت کنم؟ به الهام حضرت باری تعالی، صدیقه کبری (س) گردن بند خود را پاره کرده، دانه های آن را که زوج نبود، بر زمین ریخت و سپس فرمود: هر که بیشترین دانه ها را جمع کرد، از جانب من برنده خواهد بود. در این صورت، باید یکی در این مسابقه پیروز می شد، اما جبرئیل یکی از این دانه ها را به دو نیم تقسیم کرد تا هر دو به طور مساوی دانه برداند. بدین ترتیب، این مسابقه دو برنده داشت و هر دو در این رقابت، پیروز شدند.

پس معلوم می شود که می توان در یک خانه و در کنار یکدیگر بود و اختلافات غیر قابل حلی هم نداشت. البته تفاوت سلیقه و برداشت همیشه و همه جا وجود دارد و ممکن هم نیست که همه مثلاً از یک گل خوششان بیاید یا همه اعضای خانواده فقط با یک نفر دوست باشند و ...

آنچه مهم است اینکه بدانیم چه چیزهایی باعث بروز اختلاف و درگیری، دعوا، ناسازگاری، لجبازی، و خلاصه به وجود آمدن یک طوفان و رعد و برق میان اعضای خانواده از گروه های سنی مختلف می شود. برای رسیدن به پاسخ، باید عوامل بروز این اختلاف را بررسی کنیم.

تذکره

می توان این قسمت را به صورت بازی کارتی انجام داد؛ به این صورت که هر گروه (یا دانش آموزی) اگر کلمه مورد نظر ما را که حرف آن نمایان شده است، درست حدس بزند یک امتیاز می گیرد و گروه (یا فرد) برنده، مورد تشویق و یا احتمالاً دریافت هدیه قرار می گیرد.^۲

کارت دوم: دخالت های

کارت اول: سخت گیری

افراطی

کارت

کارت سوم: طعنه و زخم زبان

چهارم: توهین و تحقیر

کارت ششم:

کارت پنجم: تنبلی

احترام نگذاشتن

کارت هفتم: شهامت نداشتن

توضیح مختصری پیرامون هریک از این کارتها

کارت اول: سخت گیری

یکی از کارهایی که باعث دعوا می شود سخت گیری افراد خانواده می باشد. از آثار بد سخت گیری این است که 1- فاصله عاطفی بین اعضای خانواده نوجوان و والدین ایجاد می شود. 2- کسی دیگر به حرف کسی گوش نمی دهد.

2. مربی محترم می تواند کارت ها را به ترتیب اول تا آخر مرتب می کند سپس کارت سفیدی روی کارت ها می گذارد برای دانش آموزان کارت سفید را مقداری کنار می زند تا حرف اول یا آخر کارت شماره یک تا هفت مشخص گردد که دانش آموز بتواند حدس بزند که روی کارت چه چیزی نوشته شده است.

کارت دوم: دخالت‌های افراطی

ممکن است بعضی از اعضای خانواده از روی دلسوزی و خیرخواهی بخواهند نظر بدهند، ولی بعضی وقتها آنقدر خود را در همه چیز دخالت می دهند که حوصله همه را سر می برند. پس باید اول از همه سعی کنیم در کارهای خصوصی و تصمیمات خصوصی - البته در مورد کسانی که به حد رشد و بلوغ فکری کافی رسیده اند- دخالت بی جا و بدون اجازه نکنیم و دوم اینکه مواظب باشیم که اگر فرد نظر دهنده از ما بزرگتر بود و قصد او هم خیرخواهی بود، با ادبیات نامناسب با او برخورد نکنیم. خصوصاً اگر پدر و مادر انسان باشند.

کارت سوم: طعنه و زخم زبان

امان از زبان بعضی ها که از نیش مار هم بدتر است! بله این جمله را زیاد می شنویم. واقعاً هم همینطور است. چه دوستی ها و مهربانی ها که به خاطر زخم زبان و طعنه های بی مورد از بین نرفته است. ویل لکل همزه لمزه.

داستان میخ های بر روی دیوار

پسر بچه ای بود که اخلاق خوبی نداشت. پدرش جعبه ای میخ به او داد و گفت هر بار که عصبانی میشوی باید یک میخ به دیوار بکوبی.

روز اول، پسر بچه ۳۷ میخ به دیوار کوبید. طی چند هفته بعد، همان طور که یاد می گرفت چگونه عصبانیتش را کنترل کند، تعداد میخ های کوبیده شده به دیوار کمتر می شد. او فهمید که کنترل عصبانیتش آسانتر از کوبیدن میخها بر دیوار است.....

به پدرش گفت و پدر نیز پیشنهاد داد هر روز که میتواند عصبانیتش را کنترل کند، یکی از میخ ها را از دیوار بیرون آورد. روزها گذشت و پسر بچه بالاخره توانست به پدرش بگوید که تمام میخ ها را از دیوار بیرون آورده است. پدر دست پسر بچه را گرفت و به کنار دیوار برد و گفت: پسر! تو کار خوب انجام دادی، اما به سوراخ های دیوار نگاه کن. دیوار هرگز مثل گذشته نمی شود. وقتی تو در هنگام عصبانیت، حرفهای می زنی، آن حرفها همچنین آثاری را بجای می گذارند. تو می توانی چاقو در دل انسان فرو کنی و آن را بیرون آوری. اما هزاران بار عذر خواهی فایده ای ندارد، آن زخم سر جایش است. زخم زبان هم به اندازه زخم چاقو دردناک است.

در این زمینه، قرآن کریم رهنمود بسیار حکیمانه ای برای خانواده های مسلمان ارائه می کند و می فرماید:
"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ"؛ ای اهل ایمان! گروهی از شما گروه دیگر را مسخره نکند! شاید که مسخره شدگان از آنها بهتر باشند. زنان نیز زنان دیگر را به سخره نگیرند که شاید آنها بهتر از اینها باشند. و خود را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب [زشت و ناپسند] یکدیگر را یاد نکنید! بسیار بد است که بر کسی بعد از ایمان نام زشتی به کاربرید و هر کسی توبه نکند، در ردیف ستمگران خواهد بود. (حجرات / 11).

کارت چهارم: توهین و تحقیر

توهین و تحقیر می تواند از یک نگاه، یا یک گفته یا از یک شانه بالا انداختن ناشی شود. خیلی مراقب باشیم چون ممکن است با یک حرکت چشم و تحقیر خشم خداوند را برای خودمان فراهم کنیم.

دوستان من! بچه‌های عزیز!

این چهار مورد، از مواردی بود که به پدرها و مادرها هم ربط داشت؛ ولی بدانیم که کارهایی هست که ما انجام می‌دهیم و باعث می‌شویم که در خانه دعوا پیش بیاید؛ مثل:

کارت پنجم: تبلی

پرخوابی، بی حالی و کم حوصلگی، میل به تنها بودن و خلوت‌گزینی و.. درست است که اینها همه از نشانه‌های نوجوانی و جوان است؛ ولی نباید به این بهانه از کارهای خودمان عقب مانده و یا به گردن دیگران بیندازیم.

خستگی، احساس کسالت و مریض شدن، از جمله شیوه‌ها و بهانه‌های عالی برای تعلل ورزیدن و تبلی کردن است؛ مشکل اینجاست که پدر و مادرها همه این چیزها را می‌دانند!!
آن کس که به درد تبلی تن در داد بی‌بهره بود مگر که هوشیار شود

کارت ششم: احترام نگذاشتن

بی احترامی کردن به دیگران ضمن اینکه نشانه بی ادبی انسان است، نشان دهنده نوعی کم آوردن و ضعف هم هست؛ چرا که انسان با اینکار می‌خواهد خودش را تخلیه کرده و با توهین و تحقیر و بدزبانی، ضعف شخصیت و شکست خودش را مخفی کند.

در حالی که توهین به دیگران، خصوصاً برادر و خواهر و به ویژه پدر و مادر کاری بس اشتباه و جبران‌ناپذیر است. حق بزرگی که پدر و مادر بر گردن انسان دارند به گونه‌ای است که حتی خدمات شبانه روزی فرزندان نمی‌تواند ذره‌ای از زحمات خالصانه و بی‌دریغ آنان را پاسخ گو باشد. چه بسیار و ناپسند است اگر انسانی که توان کوچک‌ترین حرکتی را نداشت و با مراقبت و نگره‌داری والدین، به دوران شکوفایی و جوانی رسیده است، با ناسپاسی و نمک‌شناسی به والدین ناسزا بگویند و مایه‌ی رنجش خاطر آنان گردد. ادب و انسانیت اقتضا می‌کند که دست کم اگر نمی‌توانیم تلاش‌های طاقت‌فرسای آنان را ارج بنهیم، با آزار و اذیت و بی‌حرمتی به والدین، خود را گرفتار عذاب الهی و نفرین والدین نسازیم. پیامبر رحمت در کلامی گران‌سنگ می‌فرماید:

مَلْعُونٌ مَنْ سَبَّ أَبَاهُ مَلْعُونٌ مَنْ سَبَّ أُمَّهُ؛ کسی که به پدر و مادرش ناسزا بگوید ملعون است و از رحمت خدا دور است.

توی قرآن هم چندین آیه آمده در مورد احترام به پدر و مادر ذکر شده است.

کارت هفتم: شهامت نداشتن

خیلی از نوجوانها شهامت و شجاعت عذرخواهی رو ندارند که اگر یک کار اشتباهی را مرتکب شدند بگویند ببخشید.

عذرخواهی یک شهامت گفتاری در ارتباط است. اگر دقت کنید بسیاری از ارتباطات اجتماعی و حتی ارتباط بین اعضای خانواده، به خاطر عدم داشتن همین شهامت رو به تیرگی می رود. در واقع عذر خواهی هم نشانه شهامت است و هم نشانه صداقت.

تو خوشنود باشی و ما رستگار

خدایا چنان کن سرانجام کار

پایان

مؤسسه علمی فرهنگی یاران سبز موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

معاونت پژوهش

به کوشش حجت الاسلام والمسلمین قضایی